متن کامل مناجاة الرّاجين

به همراه ترجمه فارسی

مناجات امیدواران - مناجات چهارم از مناجات خمس عشره

روایت شده از

حضرت امام علی بن الحسین زین العابدین (علیه السلام)

بِسْمِ اللَـهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ

ای آن‌ که چون بنده‌ای از او درخواست کند، عطایش می‌نماید

 وَإِذَا أَمَّلَ مَا عِنْدَهُ بَلَّغَهُ مُنَاهُ

و چون از نزد او چیزی را آرزو کند، به آرزویش می‌رساند

 وَإِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرَّبَهُ وَأَدْنَاهُ

و چون به او رو آورَد، او را مقرّب سازد و نزدیکش می‌گرداند

 وَإِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَى ذَنْبِهِ وَغَطَّاهُ

و چون بی‌پرده معصیتش نماید، بر معصیتش پرده‌ می‌افکند و می‌پوشاند

 وَإِذَا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَاهُ

و چون بر او توکّل نماید، او را بس باشد و کفایتش می‌نماید

إِلَهِي مَنِ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ فَمَا قَرَيْتَهُ؟!

إلٰهی، چه کسی در آستان تو فرود آمد و خواستار مهمان‌نوازیت گشت، ولی تو پذیرایی‌اش نکردی؟!

 وَمَنِ الَّذِي أَنَاخَ بِبَابِكَ مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ؟!

و چه کسی مرکبِ [حاجت] خویش را به ‌امیدِ احسانت، بر درگاه تو نشاند، ولی تو به او احسان ننمودی؟!

 أَيَحْسُنُ أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ بِالْخَيْبَةِ مَصْرُوفًا

آیا نیکوست که از درگاهت نومید و محروم برگردم؟

 وَلَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلًى بِالْإِحْسَانِ مَوْصُوفًا؟!

وحال‌آنکه جز تو مولایی را که به احسان متّصف باشد نمی‌شناسم

كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ؟!

چگونه به غیر تو امید بندم باوجود‌آنکه خیر همه‌اش به دست توست؟!

 وَكَيْفَ أُؤَمِّلُ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ؟!

و چگونه غیر تو را آرزو کنم درحالی‌که [عالَم] خَلق و [عالَم] اَمر (و ملکوت) همه از آنِ توست؟!

 أَأَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ؟!

آیا امیدم را از تو ببُرم درحالی‌که [از دریای جود خویش] آنچه را درخواست نکرده ‌بودم، به من عطا نمودی؟!

 أَمْ تُفْقِرُنِي إِلَى مِثْلِي وَأَنَا أَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ؟!

و یا مرا نیازمند کسی مانند خودم می‌گردانی درحالی‌که من به ریسمان تو چنگ زده‌ام؟!

يَا مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ

ای آن‌ که قصدکنندگان به‌وسیلۀ رحمتش به سعادت رسیده‌اند

 وَلَمْ يَشْقَ بِنَقِمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ

و استغفارکنندگان با کیفرش نگون‌بخت نگشته‌اند

 كَيْفَ أَنْسَاكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي؟!

چگونه فراموشت کنم که همیشه به یادم بوده‌ای؟!

 وَكَيْفَ أَلْهُو عَنْكَ وَأَنْتَ مُرَاقِبِي؟!

و چگونه از تو غافل شوم درحالی‌که تو همیشه مراقب حال منی؟!

إِلَهِي بِذَيْلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ يَدِي

إلٰهی، دستم را به دامان کرَمَت آویختم

 وَلِنَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ أَمَلِي

و برای رسیدن به عطای تو، آرزویم را گستردم

 فَأَخْلِصْنِي بِخَالِصَةِ تَوْحِيدِكَ

پس مرا به توحید بی‌آلایش خویش خالص گردان

 وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عَبِيدِكَ

و از بندگان برگزیده‌ات قرار ده

يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِئُ

ای آن‌ که هر گریزنده‌ای به‌سوی او پناه می‌بَرد

 وَكُلُّ طَالِبٍ إِيَّاهُ يَرْتَجِي

و هر جوینده‌ای به او امید می‌بندد

 يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ

ای بهترین امید

 وَيَا أَكْرَمَ مَدْعُوٍّ

و ای بزرگوارترین خوانده‌شده

 وَيَا مَنْ لا يُرَدُّ سَائِلُهُ

و ای آن ‌که سائلش [از درش نومید] برنمی‌گردد

 وَلا يُخَيَّبُ آمِلُهُ

و امیدوار درگاهش، ناامید نمی‌شود

 يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ

ای آن‌ که درب رحمتش به‌روی خوانندگانش باز است

 وَحِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ

و پردۀ درگاهش به‌روی امیدوارانش گشوده

 أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَائِكَ بِمَا تَقِرُّ بِهِ عَيْنِي

به کرَمَت از تو می‌خواهم که عطایی به من ارزانی کنی که دیده‌ام بدان روشن شود

 وَمِنْ رَجَائِكَ بِمَا تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِي

و از امید به تو آن‌چنان به من ارزانی بداری که جانم بدان آرام گیرد

 وَمِنَ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا

و یقینی به من عطا نمایی که با آن مصیبت‌های دنیا را بر من آسان گردانی

 وَتَجْلُو بِهِ عَنْ بَصِيرَتِي غَشَوَاتِ الْعَمَى

و به‌وسیلۀ آن [یقین] پرده‌های کوری را از دیدگانم برگیری

 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به رحمتت، ای مهربان‌ترین مهربانان.